

دوره ششم تقنینیه

مذاکرات مجلس

جلسه

۱۰۹

شماره

۷۴

تاریخ تأسیس آذر

۱۳۰۵

جلسه سه شنبه ۲

خرداد ماه ۱۳۰۶

مطابق ۲۲ ذیقعده الحرام

۱۳۴۵

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی

خواهد بود

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود.

مطبعة مجلس

قیمه اشتراك

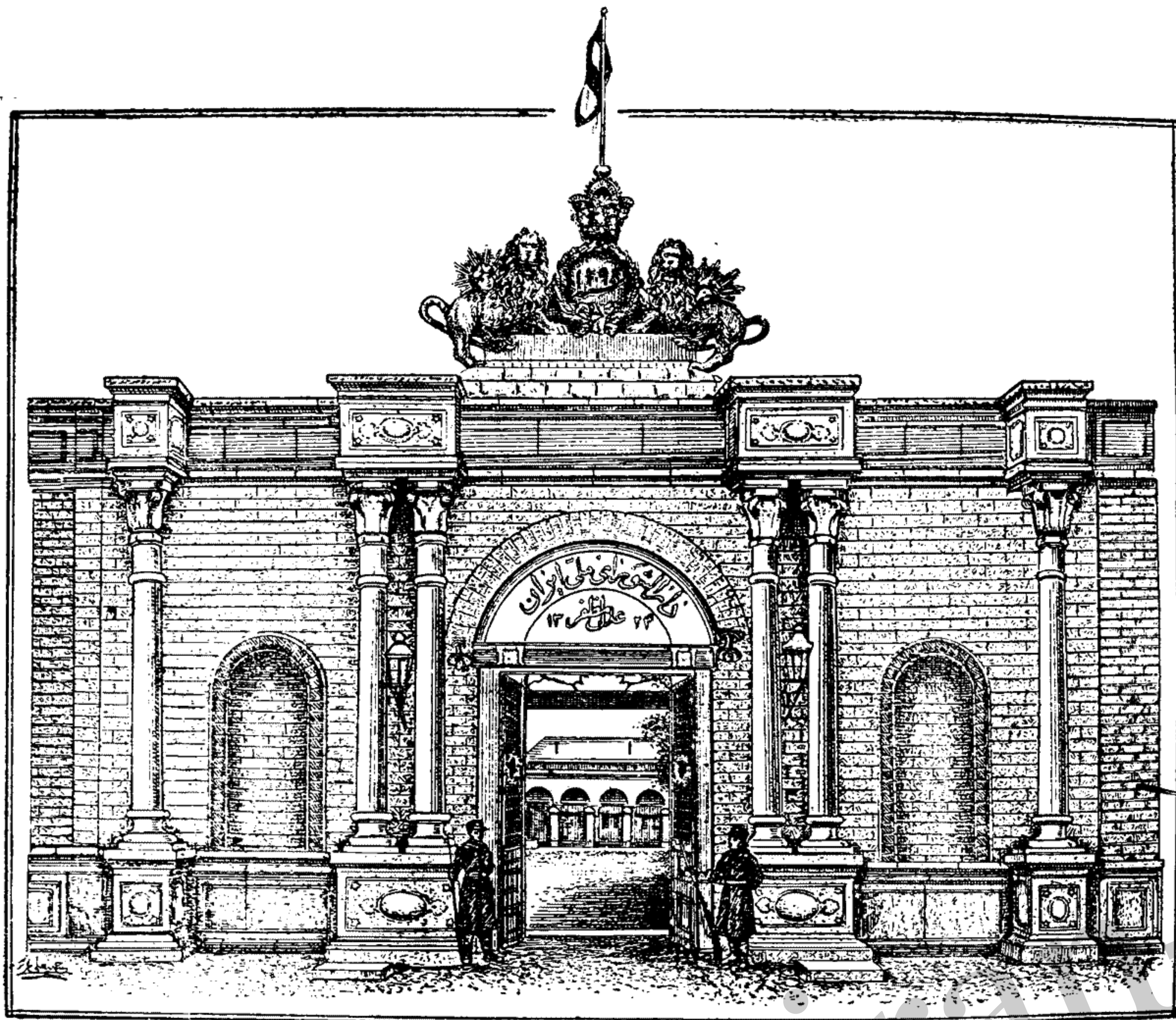
داخلة ایران سالیانه ده تومان

خارجه « دوازده تومان »

قیمه تک شماره .

یک قران

فهرست مندرجات



مذاکرات مجلس دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس سه شنبه ۲ خرداد ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۲ ذیقعده ۱۳۴۵

جلسه ۱۰۹

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای پیرنیا
تشکیل گردید)
بنی سلیمان - چون غائبین آن روز خوانده نشده بود
امروز خوانده میشود

(صورت مجلس یکشنبه سی و یکم اردیبهشت را
آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)
غائبین با اجازه - آقایان: عمادی - میرزا حسینخان

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	سؤال آقای عباس میرزا از دولت راجع به اقداماتی که نسبت به تجارتی شمال شده است و جواب آقای وزیر معارف	۱۴۹۱	۱۴۹۲
۲	بقیه شور اول نسبت بخر کیمسیون معارف راجع بقانون طبابت و تصویب ورود در شور ثانی لایحه مزبوره	۱۴۹۲	۱۴۹۵
۳	شور اول خبر کیمسیون فوائد عامه راجع بتمدید مدت امتیاز کبریت سازی آذربایجان و تصویب ورود در شور ثانی لایحه مزبوره	۱۴۹۵	۱۴۹۶
۴	مذاکره نسبت بخر کیمسیون بودجه راجع به اضافات سنه ۱۳۰۵ بودجه وزارت امور خارجه	۱۴۹۶	۱۵۱۱
۵	تصویب تشکیل جلسات مجلس شورای ملی سه روز در هفته	۱۵۱۱	

موقر - نظام مافی - سید ابراهیم ضیاء - حشمتی - بالیزی
نوبخت - بهبهانی - معظمی - آیه الله زاده اصفهانی - نظامی
عباس میرزا .

غائبین بی اجازه - آقایان: علیخان اعظمی - یاسائی
حاج حسن آقا ملک .

دیر آمدگان با اجازه

آقایان: ملک مدنی - الفخمی - شریعت زاده - روحی

دیر آمده کان بی اجازه

آقایان: فهیمی - مرتضی قلیخان بیات - میرزا محمد
نقی بهار -

غائبین جلسه ۱۰۸

غائبین با اجازه - آقایان: عمادی - معظمی - میرزا
حسینخان موقر - اسفندیاری - نظام مافی - سید ابراهیم
ضیاء - شریعت زاده - حشمتی - حیدری مکرری - نظامی
بالیزی - قوام شیرازی - نوبخت - بهبهانی - میرزا محمد
نقی بهار - دکتر لقمان - زعیم .

غائبین بی اجازه

آقایان: اعظمی - یاسائی - حاج حسن آقا ملک

دیر آمدگان با اجازه

آقایان: عراقی - عدل .

رئیس - صورت مجلس ابرادی دارد یا خیر؟

(گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد. آقای عباس میرزا

عباس میرزا - قریب یازده ماه است که مجلس
افتتاح شده است. از آن موقعیکه اهالی آذربایجان ما را
فرستادند اینجا خیلی نگران بودند از وضعیت تجارت
و اوضاع اقتصادی خودشان و مکرر در اینجا عرایض
آنها را به عرض نمایندگان محترم رسانده ایم و همیشه
امیدوار بوده و هستیم که از طرف دولت یک اقدامی
در کارهای آنها بشود و حالا که یازده ماه میگذرد...
بعضی از نمایندگان - نه ماه .

عباس میرزا - نه ماه یاده میگذرد و آنها تحمل
یک وضعیات بدتر با کمال صبر میکردند و از قراریکه
هر روز مینویسند خصوصاً در آن حدودی که یک
عده از آقایان آذربایجانها وکیل شده اند که کلیه
محصولشان محصولی است که حمل بخارج میشود. مجدداً
اظهار نگرانی کرده و عنوان میکنند که ما قریب یک
سال است در مقابل فقر و فلاکت و ورشکستگی
واقع شده ایم. محصول گذشته آنها بکلی فاسد شده است
بطوریکه به دریا و رودخانه ریخته اند حالا البته موقعی
است که محصول جدید بدست میآید و متصل بوسیله
مکاتبات و تلگرافات از ما سؤال میکنند که مذاکرات
آقای وزیر امور خارجه بکجا رسید؟ آیا ما امیدواری
داریم یا نه؟ این است که بنده ناچاراً در اثر مکانبانی که
به بنده شده و اطلاعاتی که از بند، خواسته اند این
مسائل را خدمت آقایان عرض میکنم. اگر آقای وزیر معارف
در این خصوص اطلاعاتی دارند و از مذاکراتی که شده است
مستحضرنند هر قدر مقتضی است بفرمایند یا اینکه آقای
کفیل وزارت امور خارجه زودتر تشریف بیاورند و ما را مطلع
کنند. این مذاکرات علنی که ما اینجا میکنیم برای این است
که اهالی مطلع شوند. همان روابطی را که ما با هیئت
دولت داریم اهالی با ما دارند. همانطور که ما حق سؤال
داریم آنها هم متصل تلگراف میکنند، کاغذ مینویسند،
این است که خواهش کردم که با آقای وزیر
معارف در این جلسه با آقای کفیل وزارت امور خارجه
در جلسه آتی ما را مستحضر کنند که اهالی هم
مسبوق شوند .

وزیر معارف - از زمانیکه آقای وزیر امور خارجه
به روسیه رفته اند برای حل مسائلی که مابین ایران
و روسیه محل اختلاف بوده است مذاکرات در جریان
است و چند فقره تلگراف هم ایشان کرده بودند به
هیئت دولت راجع بیک موادی که محل اختلاف واقع
شده بود و هیئت دولت هم تلگرافاً مرام خودش را

اطلاع داده است آقای وزیر امور خارجه و خبر جدیدی
هنوز نرسیده است .

رئیس - ماده دوم قانون طبابت در جلسه گذشته مطرح
بود ولی چون عده کافی نبود ماند برای امروز. لیکن
آقایان عراقی و دادگر و کازرونی پیشنهاد کرده اند
خبر کمیسیون فوائد عامه راجع به کبریت سازی آذربایجان
مطرح شود. آقای عراقی

عراقی - عرض کنم این لایحه مدنی است آمده و
در آذربایجان هم مدنی است آن بیچاره ها منتظرند و
یک چیز مختصری است اگر این مسئله مطرح شود هم
آذربایجانها خیالشان راحت میشود و هم تشویقی از آنها شده و
مجلس هم علاقه به آنها نشان داده است .

وزیر معارف - همانطور که مقام محترم ریاست اظهار کردند
مجلس دوم قانون طبابت نجات شور بود مذاکرات هم کافی
شده است چیزی نیست خوب است آقایان موافقت بفرمایند
شور اول هم هست آن قضیه بعد از این مطرح شود
رئیس - مخالفی ندارد؟

عراقی - بسیار خوب بعد از این .

رئیس - در ماده دوم دیگر اظهاری نیست؟ آقای
افسر .

محمد هاشم میرزا افسر - بنده در ماده دوم مخالف
بودم ولی تمام عرایض را عرض نکردم حالا اگر
مطرح است و اجازه می فرمایند عرایض را عرض کنم
رئیس - بفرمائید

افسر - آن روز یک قسمتی از عرایض را عرض
کردم ولی جواب هائی که آقای معاون وزارت معارف
دادند معلوم نشد عرایض بنده را ملتفت نشدند یا
نخواستند جواب مرحمت بفرمائید. بنده عرض کردم
با کلمه دکتر که اینجا نوشته شده است مخالفم یا امتیاز
لازم است یا لازم نیست و همینطور که تا کنون
بوده که اگر هر کس میخواست است بطیب مراجعه

کند خودش تشخیص میکرده که تا درجه معلومات
طب جدید میداند، طب قدیم میداند، منحصراً فنی
است یا نه. امروز که میخواهد امتیاز قائل شوید که
یک قسمتی حق استعمال کلمه دکتری را نداشته باشند و
یک قسمت حق استعمال آنرا نداشته باشند پس نباید
درجات را مخلوط کرد. همان امتیازی که شما قائل
هستید برای یک کسی که در مدرسه طب اینجا تحصیل
کرده و دیپلم گرفته با آن اطباء قدیم. البته برای آن کسیکه
میرود در مدارس عالیه فرنگستان تحصیل میکنند و
عملیات مفصلی می بینند و متخصص فنی میشود و تصدیقنامه
مفصلی میگیرد وقتی که میآید اینجا باید با دیپلمه های
مدارس اینجا همان امتیاز را دارا باشد. خوب است
پنج درجه چهار درجه معین کنند که آن کسانی که در
مدارس عالیه در اعلی درجه تحصیل کرده اند اسم خاصی
داشته باشند و آنهایی که از مدارس اینجا بیرون
می آیند یک اسمی داشته باشند و آنهایی که دیپلم از
مدارس اینجا ندارند یک اسم دیگری داشته باشند نه
اینکه لفظ دکتر را به یک عده اختصاص بدهند. آن
اطبائی که در خارجه تحصیل کرده اند با اطبائی که در اینجا
دیپلم گرفته اند همان نسبت را دارند که اطبای قدیم با اطبائی
که از اینجا دیپلم گرفته اند دارند و اینهایی هم که در
اینجا دیپلم گرفته اند سمت شاگردی آنهایی که در اروپا
تحصیل کرده اند دارند. اگر باید امتیاز قائل شد باید
درست قائل شد و الا هیچ محتاج نیست و باید بگذارند
به تشخیص خود مرضاء و تشخیصیکه مراجعه میکنند
و عقیده بنده این است سه یا چهار یا پنج درجه
قائل شوند. یا آقایانی که در این خصوص تخصص
دارند یا آقای وزیر معارف توضیح بدهند یا اینکه
لفظ دکتر را از اینجا بردارند و الا بنده مخالفم .

وزیر معارف - کلمه دکتر در ممالک متمدنه یک
مفهوم و معانی خاصی را دارد و بهر کسی دکتری نمیگویند
و اجازه هم نمیدهند که این لغت را استعمال کند .
یکی از مواردی که کلمه دکتر استعمال میشود نسبت به

علمای طب است. اشخاصیکه در مدرسه طب رسمی دولتی را تمام میکنند و دیپلم میگیرند به آنها اجازه استعمال کله دکتری داده نمیشود به صرف اینکه تحصیلات مدرسه طب را تمام کرده نمیتواند کله دکتر را استعمال کند و بگوید من دکترم بلکه يك شرایط دیگری لازم است که از جمله آنها این است که بعد از آنکه از مدرسه بیرون آمد و امتحان داد يك رساله بنویسد که میتوانم تعبیر کنم به رساله اجتهادیه و يك موضوع علمی را باید مطرح کند و ز روی استدلال ثابت کند آن موضوع را با عقاید شخصی خودش و اسم آن رساله نیز است و بقول ما رساله اجتهادیه و بعد باید آن رساله در محضر علماء درجه اول طب و مجتهدین برود و آنها مطالعه کنند اگر تصدیق کردند که صاحب این رساله صلاحیت دارد برای اینکه دکتر باشد و عبارت آخری تصدیق کردند که مجتهد است آنوقت میگویند آقا شد، دکترید والا فلا. حالا خواه در علم طب باشد. خواه در علم حقوق باشد. خواه در شعب دیگر. بنابر این امروز وضعیت مملکت ما از این حیث شباهت بجایهای دیگر ندارد. جاهای دیگر دکتر که دارند باید اینطور باشد. مابك مدرسه طب داریم وحقاً آنها هم که از این مدرسه بیرون می آیند و تحصیل کرده اند و تصدیق دارند حق استعمال کله دکتر را ندارند ولی با بحال رعایت این نکته نشده است. در موقعیکه قانون سابق در دوره دوم از مجلس گذشته است عملاً در قسم طبیب در ایران منظور شده است یکی آنکه دیپلم داشته از مدارس طب داخلی یا خارجه او شده است دکتر. یکی دیگر آنکه چند سال بر طبق آن قانون سابقه داشته و امتحان داده است او شده است طبیب مجاز. الان ما در این مملکت این در قسم طبیب را داریم. يك طبیب است دکتر و یکی طبیب است طبیب مجاز و وزارت معارف هم با آنها تصدیق داده است که طبیب مجازند. يك قسم هم دکتر هائی هستند که دارای شرایط دکتری هستند و آنها

دکتر به مفهوم حقیقی خودش میباشد. ولی رعایت نشده و رفته رفته آن اطباء مجاز دکتر شده اند. شاگرد هائی که از مدرسه طب بیرون آمده اند دکتر شده اند آنها هم که تحصیلاتی کرده و صاحب نیز هستند آنها هم دکتر هستند و البته این را هم تصدیق میفرمائید که این وضعیت وضعیت غیر مطلوبی است ولی این عمل شده و امروز هم در مملکت معمول است. و بقول یکی از اطباء که استدلال میکرد برای بقاء این کله میگفت کله دکتر بجای لغت حکیم باشی قدیم شده است. در سابق حکیم باشی میگفتند امروز میگویند دکتر بنده معتقد هستم از حیث عمل اگر يك عملیاتی در سابق شده است فعلاً صلاحیت نیست دست به ترکیب آن زد و داعی ندارد هر چه شده شده. ولی از این تاریخ به بعد باید آقایی موافقت بفرمایند که از این مسئله جلوگیری بشود. اصل مقصود این است آن اشخاصی که طبیب مجاز هستند و مطابق این قانون آنها بیکه پس از امتحان طبیب مجاز میشوند حق استعمال کله دکتری را نداشته باشند. سابقین هستند و تا موقعیکه زنده هستند همانطور خواهند بود و بعد از صد و بیست سال که فوت کردند آنوقت این اسم هم با آنها خواهد رفت.

رئیس -- آقای احتشامزاده

احتشام زاده -- بنده مخالفم از این راه بود که يك عده از اطباء هستند که مشغول طبابت بوده اند و شاید در طب ایرانی مخصوصاً يك مقام ارجمند را دارا هستند. بنده مقتضی نمیدانم نسبت به آنها این عمل بشود و آنها را از استعمال کله دکتری منع کنند ولی مطابق فرمایشاتی که آقای وزیر معارف فرمودند اشخاصی که هستند از این به بعد حق استعمال کله دکتر را ندارند بنده هم موافقم و پیشنهادی هم تقدیم کرده ام.

رئیس -- آقای کازرونی

کازرونی -- عرضی ندارم.

رئیس -- آقای باسائی

باسائی -- عرضی ندارم.

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- بنده خیلی میل دارم که يك دولت جدی و انقلابی باشد مابك وکلای انقلاب. اما متأسفانه مابك ملت بردباری هستیم و قدمهای خیلی کندی بر میداریم. اگر مابك دولت انقلابی داشتیم که این الفاظ را میزدند عقب و يك لفاظی سر جایش می گذاشتند خیلی خوشم می آمد ولی می بینم عملی نیست ما در دوره پنجم آمدیم القاب را مانعی کردیم ولی کلمات را زید کردیم. آن که را مینویسند و در بین اهالی این مینویسند فلان فلان سابق در کتب هم زیاد تر شده است و این نشد چرا؟ برای اینکه ما میخواهیم قانون وضع کنیم و در عادات مردم مداخله کنیم و این ممکن نیست که ما قانون وضع بکنیم و مداخله در عادات مردم بکنیم. خوب است همینطور که قدمهای ما قدمهای تکاملی و تدریجی است يك قوانینی وضع نکنیم که در موقع عمل عملی نشود. بنده عرض میکنم ذکر این ماده دو در اینجا محتاج نیست برای اینکه هر فرنگی مآبی که میگوید من طبابت میکنم من به او میگویم آقای دکتر. هر چه هم آقای وزیر معارف بگویند ما قانون وضع کرده ایم و دکتر نگوئید من دکتر میگویم من که در قانون دخالت نمیکم. بلی ممکن است دولت در امتیازاتی که میدهد در احکام و فرامینی که میدهد اسم دکتر را نگذارد ولی مردم میگویند. همچو عقیده نامی ندارند و عقیده دیناتی هم نیست که بگویند چون این قانون را دولت وضع کرده است اگر ما نگوئیم میرویم به جهنم. حق هم دارند زیرا این قانون که مجازات هم ندارد. بنده هیچ معتقد نیستم که این ماده دوم اینجا نوشته شود. این يك چیزی است که در حقیقت ما مداخله در عادات مردم میکنیم. بلی دولت باید خودش را محدود کند که نسبت به آن اطبائی

که اجازه میدهد کدامش را دکتر بنویسد و کدام را ننویسد. اگر مقصود از وضع این قانون این است که مردم نگویند نمیشود ولی اگر مقصود این است که دولت بگوید هر کس از فلان مدرسه دیپلم داشت دکتر است آن يك چیزی است والا مردم بحرف شما گوش نمیدهند صبح کم الله هم نمیگویند.

وزیر معارف -- اینجا آقای آقا سید یعقوب توجه فرمودند. فرق است بین تشخیص مردم و خود طبیب. مردم آزادند هر چه میخواهند بطرف بگویند ولی اینجا مقصود این است آن شخصی که طبیب مجاز میشود بر طبق این قانون او خودش حق ندارد دکتر امضا بکند و در نابلو هم خودش بنویسد دکتر فلان. و البته باید قائل شد که کله دکتر لقب نیست رتبه و منصب است. آیا شما راضی میشوید که بهر کس بگویند مجتهد؟! جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است.

رئیس -- پیشنهادها قرائت شود با رجوع شود به کمیسیون؟

بعضی از نمایندگان -- ارجاع شود بکمیسیون.

رئیس -- ارجاع می شود. ماده سوم قرائت میشود.

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده سوم -- وزیر معارف مأمور اجرای این قانون

است.

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- بنده خواستم در این خصوص مساعدت آقای وزیر معارف را جلب کنم و عقیده دارم پس از اینکه ما صحبه را مستقل کردیم و اختیاراتی باو دادیم در این خصوص هم اختیاراتی باو بدهیم و در واقع وزارت معارف با مسؤلیت مشترک اداره صحبه این کار را بکند و هر دو مسؤل باشند دیگر حالا بسته بنظر خودشان است

وزیر معارف -- لازم است عرض کنم قانونی که

سابقاً مجلس در دوره دوم تصویب کرده تصریح دارد که

وزارت معارف مأمور اجرای این کار است. از نقطه نظر واقع این کار ربطی به وزارت معارف ندارد و کار او نیست اما قانون اینطور است و عمل هم بر این شده. در اختیاراتی هم که بصحبه کل مملکتی درچندی قبل داده شده خاطر آقایان هست که راجع بالحق مدرسه طب به صحبه کل مملکتی بالاخره موافقت حاصل نشد ولی البته همچو تصور میکنم که در مواقع امتحانات يك كمك هاي فكري و عملی از اداره صحبه خواهيم خواست ولی اگر بخواهيم صورت قانونی این کار بدهيم تصور میکنم مشکل است.

رئیس -- آقای زوار

زوار -- بنده تصور میکنم با توضیحاتی که آقای وزیر معارف اظهار داشتند خود آقای آقا سید یعقوب متقاعد شده باشند. عرض کنم این موضوع موضوع فنی نیست تا راجع بداره صحبه باشد يك مسئله علمی است و باید تحت نظر وزارت معارف باشد و امیدوارم آقای آقا سید یعقوب موافقت فرمایند تا این کار عملی شود.

جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است

رئیس -- شور اول تمام شد. رأی میگیریم بشور دوم آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.
(عده کثیری قیام کردند)

رئیس -- تصویب شد. لایحه کبریت سازی مطرح است. خبر کمیسیون فوائد عامه.
(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده واحده -- در تعقیب قانون پانزدهم جدی ۱۳۰۱ مجلس شورای ملی بدولت اجازه داده میشود که پانزده سال بر مدت امتیاز کارخانه کبریت سازی آذربایجان افزوده و در تمام مدت امتیاز محصول و مواد خام و ما بمحتاج کارخانه را از پرداخت حقوق گمرکی و کرایه خط آهن آذربایجان و کشتی رانی دریاچه رضائیه معاف نماید.

رئیس -- این لایحه دوشور دارد. در این باب اختلافی نیست؟ يك نفر از نمایندگان -- يك شوری است.

رئیس -- آقای کازرونی

کازرونی -- موافقم

رئیس -- آقای عراقی

عراقی -- موافقم

رئیس -- آقای تقی زاده

تقی زاده -- موافقم.

رئیس -- آقای حق نویس

حق نویس -- بنده هم موافقم.

رئیس -- آقای افشار

افشار -- بنده هم موافقم.

کازرونی -- مخالفی ندارد.

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- اولاً می خواستم عرض کنم که گویا مجلس قبول کرد لایحه دوشوری باشد. ثانیاً بنده عبارت را خواندم و محتاج باصلاح است نوشته مجلس شورای ملی بدولت اجازه داده میشود این عبارت صحیح نیست و باید نوشته شود بدولت اجازه داده میشود. غرض این است که اصلاح عبارتی لازم است. و الا مخالفت دیگری ندارم مقصودم تذکر بود.

دادگر -- عرض کنم آقای آقا سید یعقوب گویا سطر اول را ملاحظه فرموده اند و عبارت با التفات بمقدمه خوب نوشته شده. عبارت مقدمه میگوید در تعقیب قانون پانزدهم جدی هزار و سیصد و يك مجلس شورای ملی بدولت اجازه داده میشود. یا اجازه میدهد هم باشد فرق نمیکند و بالاخره عبارت مزاحمتی ندارد.

رئیس -- دیگر مخالفی ندارد.

(گفته شد خیر)

رئیس -- رأی میگیریم بشور دوم. آقایانیکه تصویب

میکند قیام فرمایند

(عده کثیری قیام کردند)

رئیس -- تصویب شد. خبر کمیسیون بودجه راجع

باضافات وزارتخارجیه مطرح است

(بشرح ذیل قرائت)

ماده واحده -- وزارتخارجیه مجاز است بودجه اضافی ۱۳۰۵ وزارت امور خارجه را که مبالغ آن بالغ بر شصت و پنج هزار و نهصد و شصت و دو تومان و پنج قران و چهار صد و پنجاه دینار می باشد برطبق صورت ضمیمه پرداخت نماید

تبصره اول -- مؤسسهائی که در بودجه اضافی مزبور پیش بینی شده و هنوز تأسیس نشده است بودجه آنها از محل اعتبار ۱۳۰۶ و تاریخ تأسیس آن پرداخت خواهد شد

تبصره دوم -- وزارتخارجیه مکلف است از اول تیر ماه ۱۳۰۶ اداره محاکات مرکزی وزارت امور خارجه و کار گذاری های ولایات را منحل و بانها اخطار نماید که بودجه از تاریخ مذکور پرداخته نخواهد شد

رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی -- عرض میشود بنده آن رویه خودمرا هیچ نمی توانم تغییر بدهم بنده کلیه باین اضافاتی که بمجلس می آید باین حال اسفندك مملکت و مردم همیشه مخالفت کرده و خواهم کرد حتی با حقوق اجزاء مجلس و حقوق وکلاء هم مخالفت کردم و حالاً هم مخالفم و امیدارم خود آقایان مساعدت کنند و حقوقشان را به صدوپنجاه یا دویست تومان برگردانند و بنده اساساً با اضافات مخالفم و همان طوری که عرض کرده ام خدا شاهد است که نظر خاصی با کسی ندارم. و آن نظری که راجع بدولت ها هست که وقتی بادولتها موافقت پیشنها اورا قبول میکنند و وقتی موافقت ندارند لواج اورا رد میکنند بنده این نظر را ندارم. حتی عقیده بنده این است که این

نظر ممکن است برضرر مملکت باشد و معتقدم بر اینکه هرچه خوبست آقایان وکلاء بدون نظریه حزبی و فراکسیونی باید قبول کنند و هرچه برای مملکت بد است رد کنند.

این اضافات از چندجبهه برای مملکت مضرات یکی اینکه حال و وضعیت این مملکت برهه ماها مکشوف است و همه میدانیم که اهالی این مملکت چه قسم زندگانی میکنند و جز معدودی بقی تمام اهالی با ذلت و سختی زندگانی میکنند باید برای مردم کار پیدا کرد. و هر روز باید اینجا آمد و اضافاتی آورد و مجلس هم بدون تأمل رأی بدهد اگر این ترتیب اوضاع پیش برود بنده عرض میکنم عنقریب بودجه مملکتی از تعدل خواهد افتاد بلکه کسر هم پیدا خواهیم کرد. از این گذشته مرده دیگر عقب کسب و کار نخواهند رفت و تمام سعی خواهند کرد که در وزارتخانهها و ادارات دولتی يك صندلی اشغال کنند و روزی دوسه ساعت آنجا بروند و کار بکنند یا کار نکنند و ماهی پنجاه تومان صد تومان دویست تومان سیصد تومان یا صد تومان بگیرند و مصارف با هوده یا بهبود برسانند. بنده نمی توانم این قسم اضافات را تصدیق کنم و وقتی تصدیق میکنم و موافق میشوم که انشاءالله بجهت تمام مردم کار پیدا شود تا همه از این فقر و پریشانی نجات پیدا کنند. آنوقت البته اگر يك محلی پیدا شد ضرر ندارد که قسمت کنند ولی وقتیکه مردم امروزه با این وضعیت زندگانی میکنند مقتضی نیست که هر يك از وزارتخانهها همه ساله بجهت خودشان يك اضافاتی منظور کنند. سال گذشته اضافه کردند امسال هم اضافه سال دیگر هم اضافه بالاخره تا دیدند بولی رسید اول مجلس سهمش را گرفت بعد هم دیگران سهمشان را میخواستند بگیرند و امیدوارم بعد از این اینطور نشود و دولت پیشنهادات اضافاتی را بمجلس نیاورد. و اگر آورد مجلس بمقتضای عدالت و انصاف و دیانت خودش رأی بدهد

رئیس -- تبصره دوم را کمیسیون مجدداً اصلاح کرده است قرائت میشود
(بشرح ذیل خوانده شد)

تبصره دوم - وزارت خارجه مکلف است کارگذاری های ایالات و ولایات را از اول تیرماه ۱۳۰۶ و اداره محاکات وزارتخارجه را از نوزدهم اردی بهشت ۱۳۰۷ که تاریخ انقضای مدت و موعد فسخ عهد نامه هائی است که از طرف دولت اعلام گردیده منحل نماید .

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم . چون آقای حاج سید رضا مخالف بودند ، باید موافق حرف بزند .

شیروان مخبر کمیسیون بودجه -- البته ما همیشه نظریات نماینده محترم آقای فیروز آبادی را در صرفه جوئی برای مملکت تقدیس میکنیم . و باید تصدیق کرد که ایشان کاملاً بوظیفه نمایندگی خودشان عمل میکنند . لکن ضمناً تصدیق باید کرد که وظیفه ما تنها صرفه جوئی در خرج نیست . يك وظائف مهم تر دیگری هم داریم که شاید از نقطه نظر مصالح مملکت مفیدتر از صرفه جوئی باشد . نکته که باید عرض کنم این است که این لایحه که (بنام لایحه اضافی اصطلاح کرده ایم) يك لایحه اضافه خرج یا اضافه حقوق نیست بلکه برای يك مؤسسان است که برای مملکت ما هر روزیکه بطرف تمدن و تجدد پیش میرویم لازم میشود . و البته بمقتضای پیش رفتن بطرف تمدن مخارج ما زیاد خواهد شد . نماینده محترم آرزومند هستند که مخارج مملکت هرروزه کمتر شود . ولی بنده آرزومندم که مخارج ما زیاد شود و بجائی برسد که مملکت ما دارای دوست میلیون بودجه باشد...

کازرونی - همین امروز .

شیروانی - آرزوی میشود که دیگربرد آقای کازرونی نمیخورد . و البته باید دولت تمام وسائل را که امروزه

دنیا دارد و با او دارد زندگانی میکند يك روزی هم برای ما تهیه و تدارك كند . اتفاقاً در این لوایح اضافی اگر يك لایحه باشد که از نقطه نظر آبروی مملکت و ملت مفید باشد منحصرأ همین لایحه وزارت خارجه است . اولاً عرض میکنم که دقت کامل در این لایحه شده بطوریکه يك دینار اضافه حقوق باشخصی که الان در داخله مشغول خدمت هستند داده نشده و از حدود قوانین مملکتی بقدر سرسوزنی تجاوز نشده . يك سفارتخانهائی ما در تمام دنیا داریم و آقایان هم تصدیق دارند که تا امروز وضعیت آنها چندان خوب و آبرومند نبوده است اگر آقای فیروزآبادی و سایر آقایان مخالفین تصدیق دارند که ما هم امروزه باید مثل سایر ملل دنیا در تمام ممالک سفارتخانه و نماینده آبرومند داشته باشیم باید قائل شویم همانطوریکه سایرین در ممالک ما خرج میکنند و آبروی بیرق خودشان را حفظ میکنند ما هم باید حفظ کنیم . اگر ما بهمسایه جدید و دولت هم کیش خودمان افغانستان ملاحظه کنیم می بینیم وضعیت نمایندگان سیاسی آن دولت چه در مملکت ما و چه در سایر ممالک خیلی بهتر از وضعیت نمایندگان سیاسی است . وضعیت نمایندگان سیاسی ما حقیقاً تا امروز بد و شرم آور بوده و حتماً باید اصلاح شود . یا باید تمام نمایندگان خارجه را حذف کنیم یا باید مؤسسات شرافتمندانه در خارج تأسیس کنیم . خوب وقتی بنا شود که ما مؤسسات آبرومندانه داشته باشیم این کار خرج دارد . باید مخارج آنها را بدهیم و اعتباراتی که برای آنها لازم است کار سازی کنیم و بالاخره باید حقوق کافی بآنها بدهیم و اشخاص لایق و آبرومند بفرستیم و آنها را بگویی برونند و برای مملکت کار کنند . امروز تمام مسائل دنیا روی سیاست و پولتیک است و دیگر با سر نیزه و تفنگ و توپ نمیشود استقلال يك مملکتی را حفظ کرد و با سیاست خارجی باید این کار را کرد کمیسیون بودجه قطع نظر از اینکه تمام نکات لازمه را

در نظر گرفت که اینک امتحان داده ایم که هیچوقت ما و رفقایمان خرج بیهوده را تصویب نمیکنیم ولی در این موضوع يك قدمی در تعقیب تصمیم اعلیحضرت راجع بالغای عهد نامه هائی که با دول داشته ایم برداشته ایم . و آن عبارت بود از حذف مؤسسان که تا امروز برای استقلال مملکت مضر بوده است اینها را کمیسیون بودجه ضمیمه این لایحه کرده و به مجلس شورای ملی تقدیم کرده است و اشاره کرده که کارگذارها و محاکات خارجی وزارت خارجه باید لغو شود پس خوب است آقایان موافقت بفرمائید که این لایحه اتفاق بگذرد و اگر يك مقاصد و نظریات سیاسی در کار است بنده عقیده دارم که در سایر لوایح بودجه اظهار شود .

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده خیلی میل داشتم که مدافع این لایحه آقای شیروانی نباشد و دولت باشد . ولی فرقی ندارد . بنده به برادر هم باشد میزنم ما در حال جنگیم آقای شیروانی یا آقای یاسائی هم باشند فرقی برای بنده ندارد و مخالفت میکنم بنده فرمایشات آقای شیروانی را بدقت مطالعه کردم نقطه نظر ایشان آن قسمتی که راجع به منافع مملکت است صحیح است و منافع و عظمت و اهت مملکت را البته باید در نظر داشت ولی هیچیک از این اقلامی که در این لایحه نوشته شده برای اهت و عظمت مملکت نیست . بنده و آقای یاسائی و شاهزاده فیروز میرزا وقتی که در کمیسیون بودجه بودند بودجه وزارت خارجه را بدقت ملاحظه کردیم . يك قلم برای سعادت مملکت زیاد نکرده اند بلکه برای اجزاء و اعضاء داخلی وزارت خارجه اضافاتی قائل شده اند . بنده باشما در این عقیده شریک هستم که وضعیت نمایندگان مادر خارجه باید آبرومند باشد . و همینطور وضعیت و روزگار اتباع ما در خارجه نباید مثل سابق بحال نکبت باشد و در خارجه باید نمایندگان قوی داشته باشیم تا بتوانند بیرق شیرو خورشید را حفظ کنند و آن چیزهائی که در دوره

های سابق دیده ایم دیگر تجدید نشود . ولی این کارها منحصرأ با زیاد کردن مصرف و خرج پست برای اشخاص صورت نمیگیرد . ملاحظه بفرمائید قبل از اینکه اداره دینار سلطنتی این جور منظم باشد آئوشیرون خان در وزارت خارجه هم رئیس کابینه و تشریفات بود و هم کار جمعه ملل را اداره میکرد و بخون هم از عهده رسمی آمد بدون اینکه يك مخارج فوق العاده برای مؤسسه جمعه ملل در نظر گرفته باشند . ولی حالا آمده اند و سالی شش هزار تومان يك قلم برای جامعه ملل معین کرده اند . خوب ! این چه ربطی به اهت و حفظ استقلال دارد؟ ما البته همه ب حفظ استقلال و عظمت خودمان علاقه مندیم . ولی این چه ربطی دارد در اینجا يك ترتیبی شد و سالی شش هزار تومان باعتبار يك خوبی که آقای دیبا داشته است ...

بنده نمی خواهم وارد يك چیزهائی بشوم که حقیقه شرم آور است ولی باید حقایق را عرض کنم . در کمیسیون هم عرض کرده ام و نمی خواهم نقض قول بشود . مقصودشان این است که بجود پست بکنند و ماهی سیصد تومان سالی شش هزار تومان خرج کنند .

يك مسئله دیگر راجع به محاسبات است . وزارتخارجه نوزده نفر محاسب برای چه می خواهد؟ وزارتخارجه کارش جمع مال و اموال است چه کار دارد که نوزده نفر محاسب باید داشته باشد . در کمیسیون ما زحمت کشیدیم و الحمدلله موفق شدیم که کارگذارها را بيك ترتیبی منحل کردیم . با اینکه ما کارگذاری ها را منحل کرده ایم معذک آقا چهار ماهه شصت هزار تومان که سابقاً سالانه صد و هشتاد هزار تومان میشد بر بودجه وزارتخارجه اضافه کرده اند - آنوقت برای مامورین خارجه چه منظور کرده ایم؟ برای ژنرال قونسوها در جاهائی که تبعه ما زیاد است چه کرده ایم؟ بنده در حلب بودم در خدمت آقای مدرس بودم در آنجا تبعه ایران زیاد بود و کسی نبود آنها را اداره کند . فقط در شام يك ژنرال قنصل

داشتیم ولی در سایر جاها که شما بزرگوار در حلب و سوریه و فلسطین و هندوستان در همه جا تابع ایران زیاد است و از عدل و انصاف دولتها همه در این نقاط رفته اند ولی از طرف دولت و وزارت خارجه مأمور و سرپرستی نیست. دولت باید قسود و ویس قسود در این نقاط بفرستد تا تابع ایران را حفظ کنند. آنوقت بجای اینکه این کار را بکنند می آیند و در عوض بر عرض و طول و عمق وزارت خارجه می افزایند بنده بآبرهان و دلیل عرض میکنم پس از اینکه اداره کار گذاری و محاکات را منحل کردیم معذالك چهار ماهه شصت هزار تومان اضافه کردند و در سال صد و هشتاد هزار تومان میشود. در صورتیکه ما از آن طرف کار گذاریها را بوزارت داخله منتقل کردیم ولی يك چند قلمی نسبت به وزیر مختار پاریس و بعضی دیگر اضافه کرده اند. همان مسئله ایست که بنده در موضوع بودجه وزارت فوائد عامه عرض کرده ام وزارت خانهای ما با هم قشقه گذاشته اند. مثلاً میگویند چون وزارت جنگ هیچده کورور بودجه دارد ما هم باید اضافه داشته باشیم. وزارت فوائد عامه می گوید چون راه دست من است باید فلان قدر اضافه داشته باشیم. وزارت مالیه هم که دیگر حالش معلوم است. رب النوع اموال مردم است. وزارت خارجه که چهار نفر منشی و محاسب کارش را اداره میکنند میگوید چرا من باید کمتر از آن باشم. آنوقت آقای شیروانی میفرمایند ما باید خیلی اهمیت بدهیم. بنده عرض میکنم در این قسمت من با شما همراه ولی اضافه خرج کردن در وزارت خارجه کار تبعه ما را اصلاح نمیکند. وزارت خارجه انگلستان شصت و يك نفر کارش را اداره میکند. و بطوریکه بنده اطلاع دارم اداره پولتیکي آن را شصت و يك نفر اداره میکند حالا شما میخواهید بفرمائید ما مثل انگلیس هستیم و همان اندازه که آنها لازم دارند ما هم لازم داریم؟ خیر. ما مثل آنها نیستیم. و ما باندازه آنها نمی

توانیم بپردازیم. مکرر بنده عرض کرده ام که ما باید به اندازه گلیم خودمان بایمان را دراز کنیم بنده به حضرت والا عرض میکنم شما يك نگاه اجالی بین لایحه بکنید قلم بقال آن را بعرض میرسانم تا اینکه بدانید چه مخارج غیر لازمی است. بنده اگر يك مخارجی را محتاج الیه مملکت بدانم اول سعی خواهم بود که ورقه سفید بدهم و در آنجا هائی که سیادت و سعادت مملکت من اقتضا کند مته بخشش نمیگذارم و در هر جا که به بدستم برای مصالح سیاسی و اقتصادی مملکت دولت يك ملاحظاتی کرده بنده هم موافقت خواهم کرد. ولی در این قسمت بنده عرض میکنم تمام بودجه مرکزی وزارت خارجه است. چطور می توانم موافقت کنم که سالی صد و هشتاد هزار تومان به بودجه مرکزی وزارت خارجه اضافه شود؟! این قانون استخدام مثل اژدها دهانش را برای بلعیدن مملکت باز کرده و سالی ده میلیون بر بودجه مملکت اضافه میکند. ملاحظه بفرمائید سالی دو بیست هزار تومان برای هر وزارت خانه اضافه کردن بعد از ده سال دیگر چه خواهد شد؟ آنوقت همین حضرت والا وزیر مالیه می آیند این اجا و چوب حراج مملکت را میگذارند. با این قانون و با این نظریات شما و این تعدیات و تجاوراتی که نسبت بحقوق ملت میشود بنده نمیدانم بالاخره چه خواهد شد؟ وزیر مالیه - چون نماینده محترم خیلی میل داشتند که بنده مدافع باشم تا مورد سخط و غضب ایشان بنده و رفقایم باشم نه همکارهای مجلسی ایشان لذا خودم را حاضر کرده ام خدمتشان جواب عرض کنم. بنده همیشه نظریات خودم در مورد بودجه این است که اگر يك مخارجی گراف و بیهوده است آن را نباید قبول کرد و خود بنده هم با این مسئله موافقم. آقای آقا سید یعقوب باید نظر شان باشد که همین بودجه وزارت خارجه را ایشان و آقای باستانی و بنده در سو کمسیون بودجه با هم مطالعه کردیم و این لایحه اضافی هم که حاضر شده نتیجه همان مطالعات است و

بنده اینجا شهادت میدهم که با روح صمیمی نسبت مصالح مملکت همه روزه آقای آقا سید یعقوب ما را در سو کمسیون بودجه تخریص میکردند که در بودجه وزارت خارجه هیچ گونه اضافه خرجی قائل نشویم ولی حالا بنده نمیدانم چه شده که بعد از رفتن و محرومیت بنده در ادامه شرکت در کار و با اینکه قطعاً از جدیت ایشان و رفقای ایشان هم هیچ کاسته نشده امروز برضایتی دارند.

این اضافات همان طور که آقای شیروانی اظهار داشتند و خود آقای آقا سید یعقوب هم تصدیق کردند که برای ترقی و توسعه و اهمیت مملکت است در اینجا يك اشاره بسفارتخانهای خارج شد و اظهار داشتند در این اضافاتی که شده نسبت بانجاها چیزی منظور نشده بنده هم خیلی تأسف درم ولی باید دید حقیقتاً يك اضافه شده که همه اش آنجا مصرف نشده با آنکه اگر اضافه شده يك قسمتش آنجا مصرف نشده و آب آن قسمت دیگرش که در مرکز مصرف شده صرف چه شده است؟ بنده در تمام این لایحه آن طوری که خاطر می آید (چون تازکی مراجعه بین لایحه اضافه نکرده ام) ما در سو کمسیون هیچ جا اضافه حقوق برای اجزاء وزارت خارجه در مرکز منظور نکرده ایم. غیر از این است آقا؟ خود آقای آقا سید یعقوب این مسئله را تصدیق میفرمایند. پس اضافه حقوق که قائل نشدم پس چه شده؟ اگر این اضافات در مرکز و خارجه پیش آمده برای این بوده است که وزارت خارجه يك مؤسسه یا مؤسساتی را برای جریان کار خودش و برای پیشرفت امور اداری لازم دید و این پیش بینی را کرده و علاوه نموده. اگر يك همچو چیزی باشد و هست البته تصدیق میفرمائید که این خودش مربوط میشود بان مسائل اصولی و اساسی که آقایان تصدیق میکنند که باید با آنها موافقت کرد. اهمیت مملکت را تنها نمایندگی در خارجه حفظ نمی کنند.

اهمیت مملکت را (از حیث وزارت خارجه) این حفظ میکنند که در دائره مرکزیش در آنجا تیکه حکم مغز را نسبت بنام مؤسسات و سفارتخانهای خارج دارد. در آنجا هائی که باید تخریک بدهد تمام این سیاست هارا و دستور العمل هائی را که با آنها صادر میکند باید مؤسساتی باشد که آن مؤسسات استعداد و وسیله بن را داشته باشد که بتواند تمام این امور را تخریک بدهد بنده مکرر این را در مجلس عرض کرده ام. در وقتی هم که در کار بوده ام عرض کرده و خودم هم که وزیر خارجه بوده تجربه کرده ام و وقتی هم که در سایر وزارتخانهای دیگر بوده در هیئت دولت تجربه کرده ام که بزرگترین نکس کار ما نه تنها از حیث خارجه بلکه در داخله هم همیشه این است که ما نسبت بدیگران وسائل اطلاعات کم است. اسباب کار آن تحقیقات و مقدماتی که لازم است در دست باشد برای يك آدمی که می خواهد نقشه بکشد و فکری بکند و ناداشتن آن اسباب و ادوات يك نقشه خوب و روشنی پیدا میکند این را ما همیشه کم داشته ایم. اگر عرض نمیکم نداشته ایم برای این است که نمیخواهم اغراق گفته باشم. برای این است که از چند سال باین طرف ترقیات زیادی پیدا کرده ایم و یواش یواش هم داریم پیدا میکنیم. مثلاً اگر وزارتخانه برای رسیدن بهمین مقصود در نظر گرفته است که در اداره مرکزی يك مؤسسه خاصی بعنوان جامعه ملل تشکیل بدهد و این مؤسسه که کارهای جامعه ملل را اداره میکند از اداره تشریفات وزارت خارجه که يك کارهای دیگری دارد مجزا بکند این برای چه بوده؟ میخواهم به بیم این مبتنی بر يك منطق و حقیقی هست که قابل قبول باشد یا نه؟ بنده از روی اطه ع عرض میکنم که امروز قضیه جامعه ملل در دنیا تقریباً مرکز است نه تنها سیاست خارجی بلکه تمام سیاست های اقتصادی و بین المللی در دنیا يك وضعیتی پیدا کرده که در جامعه ملل. و در دالانها و دوائر

جامعه ملل تمرکز پیدا کرده. اگر مراجعه بفرمائید به لوائح و کتابچه ها و کتبی که همه ماهه از اداره جامعه ملل برای اطلاع و صبرت افراد و اعضاء جامعه ملل چاپ میشود تصدیق خواهید فرمود که اینها از قدرت پنجگنفر و ده نفر و پانزده نفر هم که همان خواندن و مطالعه کردن و استفاده کردنش باشد خارج است. و اگر دقت بفرمائید خواهید دید که در این کتابچه ها و در این لوائح يك چیزهای مفیدی از نقطه نظر اطلاعات برای اشخاصیکه میخواهند کار بکنند و در جریان باشد موجود است که مافوق ندارد. پس بنده تصور میکنم وقتی که وزارت خارجه برای اداره کردن این قسمت یعنی سر و کار ایران با جامعه ملل اشتباه نشود کارهای شخصی دولت ایران با جامعه ملل محتاج به اداره خاصی نبود و همانطور که سابقاً در جزو يك اداره دیگری اداره میشد ممکن بود ولی در عمل دیده شد که ما با نداشتن يك وسائل از این اخبار و از این قسمت اقتصادی و معنوی که از برای کارهای ما مفید بوده محروم مانده ایم...

آقا سید یعقوب - فایده اش چه بوده؟ کار اساسیش چه بوده؟

وزیر مالیه - حالا این جا داخل در آن مبحث نمیشوم که جامعه ملل کار مفیدی دارد یا نه ولی این را عرض میکنم بایشان و تمنا میکنم بگذرد توجه بفرمایند. میدانند که بنده نهایت ارادت را بایشان دارم و میل دارم عرابضی که میکنیم برطبق حقیقت و منطق بپذیرند یا رد بکنند. اما حقیقت درش حکمفرما باشد. اسمش را جامعه ملل نگذارید. فرض کنید يك اداره در يك جایی و در يك نقطه از دنیا پیدا شده بود که این اداره بر خودش حتم کرده بود سیاست بین المللی و اقتصادیات و تجارت و کلیه امور دنیا را تمرکز بدهد و جمع کند و برای اطلاع افراد اعضاء بفرستند و تقسیم کند. آیا اگر يك همچو چیز

بود که آنها را انتشار و اشاعه بدهد برای اینکه فلافل تاجر اصفهانی که در اصفهان نشسته مسبوق شود يك همچو ضرری به تجار وارد نمیشود. حالا اگر يك همچو ضرری وارد بشود باید حساب کرد که چقدر است؟ این قسمتی بود که بطور مثل كوچك و جزئی خوشم عرض کنم برای اینکه نائید کم عرض خود را که يك دولت و وزارتخانهائی که میخواهند در جریان امور دنیا باشند باید ساعی باشند هر موضوعی در هر کجا پیش می آید بهر وسیله که هست استصلاح نمایند. نامه مسائلی که چاپ میشود راجع به اقتصادیات راجع به تعرفه های گمرکی. راجع بقوانین داخلی مالیات دیگر راجع به رایی که در مجالس نسبت بمواد میدهند این هارا نامه اطلاع پیدا کنند. انتشار بدهند. تبلیغ کنند که هم اشخاص استفاده کنند و هم اگر چیز خوبی است و بجز تجارت و اقتصادیات میخورد از آن استفاده کنند حالا این دائره که در وزارت خارجه هست و مورد تنقید آقا بود يك چنین دائره است که برای این قبیل کارها تأسیس شده. این اگر بنا دو هزار تومان باشد هزار تومان...

عصر انقلاب - شش هزار تومان

وزیر مالیه - یا شش هزار تومان این را نمیشود گفت يك خرج گراف و بیهوده است و بنده خصوصاً میل ندارم گفته شود که از نقطه نظر پیدا کردن پست است. برای اینکه از این نقطه نظر نبوده است يك نکته را آقای آقا سید یعقوب اشاره فرمودند که این را توضیح میدهم بعد مرخص میشوم: فرمودند ما کار گذاری و محاکمات را لغو کردیم و حال آنکه صد و هشتاد یا صد و شصت هزار تومان در چهار ماه آخر سال اضافه میدهم... آقا سید یعقوب - در سال

وزیر مالیه - این بودجه راجع به اضافه مخارج بودجه ۱۳۰۵ است ما کار گذاری و محاکمات را از تیر ماه ۱۳۰۶ و از اردیبهشت سیصد و هفت لغو

کردیم این را هنوز ما موقع پیدا نکردیم که حساب کنیم و به بینیم از الغی او چقدر کسر میشود. آقا بتوانند این جا بگویند این را که لغو کرده ایم چیزی کسر نشده است. البته با حساب آنچه راجع به کار گذاری بوده است که در تیرماه حذف خواهد شد آن مبلغ از این بودجه که نقل خواهد شد به بودجه ۱۳۰۶ قطعاً کسر خواهد شد. حالا اگر در يك جای دیگر اضافه بشود باز میگردیم بهمان اصل اولیه و احتیاجات مملکتی و همان چیزهایی که خود آقا تصدیق کردند. در هر مرتبه و بطور خلاصه تصور میکنم بدبختی که در این بودجه ها پیدا شده و آقایی فریورز آبدی را هم خیلی متأثر کرده است این لفظ «اضافه» است. این اصطلاح لوائح اضافی يك بدبختی است برای این بودجه ها و الا اگر آقایی درست دقت و ملاحظه بفرمایند بودجه اداری بودجه ۱۳۰۴ است و بودجه سیصد و پنجاه بصورت جزء در مجلس مصوب نداشت. برای سرعت کار گفته شد که دوازدهم را در سیصد و پنجاه تکمیل کرده و ادامه میدهم و آنوقت اگر يك احتیاجات و مؤسساتی راجع به سیصد و پنجاه داشتند که در سیصد و پنجاه اضافه کرده اند این هارا بسم لوائح اضافی میآوریم و تصویب میکنیم. در حقیقت اگر درست ملاحظه بفرمائید این لوائح اضافی اضافه حقوق و خرج نیست. اضافه خرج هست ولی از نقطه نظر تأسیس بعضی مؤسسات و این قائم مقام بودجه سیصد و پنجاه است. از اینکه بگذرید تمام بودجه سیصد و پنجاه مثل بودجه سیصد و چهار است و بنده می خواهم استدعا کنم که آقایان موافقت بفرمایند اینها را تصویب بفرمایند برای اینکه زودتر بودجه سیصد و شش تقدیم شود و در بودجه ۱۳۰۶ این جا قلم بقلم اگر يك مؤسسه را آقایان می بینند زیادی است آن را بفرمایند.

آقا سید یعقوب - امروز تنفس نیست؟

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

(بعضی دیگر میگفتند کافی نیست)

رئیس -- رأی میگیریم آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند
(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس -- تصویب نشد . آقای احتشام زاده

احتشامزاده - مخالفت بنده باین لایحه نه از نقطه نظر ناسیسات جدیده باضافاتی است که برای سفارتخانه منظور شده بلکه معتقدم در اغلب ممالک و نقاط مهمه دولت ایران بایستی نمایندگان سیاسی و قنسولی داشته باشد که بتوانند بیک وظایفی را که برعهده آنها است انجام دهند . ولی مخالفت بنده از این نقطه نظر است که بیک نواقصی در کار مأمورین دولت ایران در خارجه هست که چون موقع دیگری مجال ذکر آن نبود و حالا که موقع تصویب این بودجه است استفاده و عرض میکنم : مأمورین دولت ایران در خارجه دو وظیفه مهم دارند یکی از نقطه نظر مملکت و یکی از نقطه نظر اتباع ایران . از نقطه نظر مملکت باید حافظ منافع سیاسی و اقتصادی مملکت باشند و هر وقت بیک خسار آنها و مخاطره هائی ممکن است از نقطه نظر سیاست با اقتصاد برای مملکت پیش بیاید با وسائل موجوده که دارند اقدام و رفع بکنند و دولت را مطلع نمایند و کاملاً از هر گونه ضرری که ممکن است رای مملکت پیش بیاید جلوگیری شود . یکی دیگر از وظایف مهمه که دارند این است که مأمورین دولت ایران در خارج باید مراقب اتباع ایران باشند و مراقب باشند هرگونه اطلاعی را جمع آوری کرده و بوزارت خارجه اطلاع دهند . یکی دیگر از وظایف مأمورین سیاسی و قنسولی در خارج این است که مبلغ اوضاع اقتصادیات ایران باشند . امروز شاید هنوز در اغلب ممالک اطلاع از اوضاع اقتصادی ایران ندارند و نمیدانند که در ایران چه منابع مهمه هست که میتوانند بیابند هم خودشان استفاده هائی از منابع طبیعی ایران بکنند

و هم به مملکت ما منافع بدهند و فوایدی برسانند . اینها وظایف وزارت خارجه و دولت است که در خارجه باید انجام بدهند . یکی دیگر هم حفظ حقوق و منافع و ضمانت اتباع ایران هست که مأمورین وزارت خارجه بایستی در ممالک خارجه خیلی مراقب باشند که از حقوق اتباع ایران دفاع و ضمانت کنند و آنها را از هرگونه زحمت و نخبوز و تعدی نخبجات بدهند . اما در قسمت های اولیه یعنی از نقطه نظر حفظ حیثیات دولت و جمع آوری اطلاعات متأسفانه طوری نیست که ما بتوانیم از مأمورین وزارت خارجه راضی باشیم . اغلب ما میبینیم که مأمورین وزارت خارجه طوری رفتار میکنند که عملیاتشان برخلاف حیثیت مملکت است و حیثیت مملکت و دولت را ضایع میکنند و از بین میرود و در قسمت اتباع ایرانی هم متأسفانه کمتر توجه دارند باین که حقوق اتباع ایرانی را حفظ کنند و بلکه بنده میخواهم عرض کنم که مأمورین سیاسی وزارت خارجه بجای اینکه حافظ حقوق آنها در خارجه باشند بیشتر مزاحم اتباع ایران میشوند . ملاحظه بفرمائید که اتباع ایران در بین النهرین چه وضعیتی دارند . گرفتارذات هستند گرفتار فشار و تزییقات هستند و بالاخره هر نوع تعدی و نخباوزی نسبت بآنها میشود و بنده نمیدانم مأمورین دولت ایران چه میکنند؟! تماشای هستند؟! و بالاخره همانطور که عرض کردم در بعضی از نقاط شاید خود مأمورین دولت ایران اسباب زحمت اتباع ایران را فراهم میکنند . باین ملاحظه از نقطه نظر حفظ حقوق اتباع ایران در اینموقع از مخالفت استفاده کردم و این نواقص که در وزارت خارجه هست بطور اختصار عرض کردم که دولت باید در صدد باشد این نواقص را رفع کند و الا بنده موافقم که باید سفارتخانههای ما در خارجه خیلی با اهت و عظمت باشد و مأمورین ما دارای آروزی زیادی باشند که بتوانند آروزی مملکت را حفظ کنند .
مخبر - معایب و نواقصی را که نماینده محترم راجع به وزارت خارجه ذکر فرمودند تقریباً

قابل انکار نیست . برای اینکه اغلب وزارتخانههای ما بیک نواقص و معایبی دارند که کاملاً احتیاج به اصلاح دارند و یکی از مهمترین وزارتخانههای ما که حتماً باید بیک نظر اصلاحی نسبت باو داشت و بعقیده شخص بنده باید آنجا را هم مثل عدلیه منحل کرد و بیک وزارتخانه آرومندی تاسیس کرد وزارت خارجه است . وزارت خارجه تمام مؤسسات مراکز امروزی بیک (بوروگراسی) میزبازی بیشتر نیست و ما بیک استفاده های سیاسی از او نمیکیم همینطور از شعبش در خارجه ما نتوانسته ایم نه استفاده های سیاسی بکنیم و نه اقتصادی . ولی در عین حال هم بزرگترین نقص وزارت خارجه کمی بودجه بوده است . وزارت خارجه ایران که باید در تمام دنیا همانطور که فرمودند شعبه داشته باشد و اشخاص لایق و وزین از طرف او مأمور شوند و بروند و بیک کارهائی بکنند این بودجه اش است! و با این بودجه ناقص بعقیده بنده اصلاح نخواهد شد . وزارت خارجه را باید قبلاً در درجه اول بیک بودجه کافی برای اودر نظر گرفت و در درجه دوم هم بیک اشخاص کافی و لایق و بنده تصدیق میکنیم که با این (المنهائی) که در آنجا هستند آن نتایجی را که شما انتظار دارید نمیتوان گرفت مسئله بین النهرین بیک مسئله بقرنج مهم اساسی است برای این مملکت . هنوز تکلیفی برای ما با بین النهرین معین نشده است! کاسه گرم تر از آتش شده ایم نماینده هم رسماً آنجا نداریم . فقط در اینجا بیک قنسولی برای بصره پیش بینی کرده ایم . این بیک قضیه ایست که باید دوات و مخصوصاً وزارت خارجه ما نسبت بآن بیک نظر اصلاحی داشته باشد . اگر همکاری های ما که در کمیسیون بودجه تشریف داشتند نظرشان باشد بنده در همین موضوع در کمیسیون بودجه به آقای وزیر خارجه حمله کردم و گفتم شما باید بالاخره بیک روزی تکلیف این مملکت را با بین النهرین معلوم کنید . همینطور امروز و فردا کردن و اتباع ما در آنجا گرفتار و نخب

مضیقه باشند که نمیشود بنده در یکی از جرائد خواننده از انومبیل که در آنجا میبود حق الکفاله میگیرند! و در هر صورت اینها بیک مسائلی است که باید اصلاح شود و برای اصلاح همین قضیه راجع به بین النهرین بعقیده بنده بیک وزیر مختار کافی که لایقترین وزیر مختار ها و مأمورین باشد در آنجا باشد و مهمترین مؤسسات خارجی هم باید در بین النهرین بشود بودجه کافی هم لازم داریم باین اضافات را هم بطوری که بعضی از آقایین مخالفین فرمودند راجع به اضافه مرکز است هیچ بنظر نیست بلکه راجع به مخارج خارج است اگر ملاحظه بفرمایید راجع به آمریکا و پاریس و برلین و بین النهرین و کابل و هرات و ارض روم و جاهائی است که اتباع زیاد داریم و در آنجا ها بیک مختصر اضافه حقوق و بیک اعتباری داده ایم بنده معتقدم در بودجه ۱۳۰۶ (بر خلاف عقیده آقای فیروز آبادی) ما باید اگر چه داشته باشیم دو میلیون بودجه برای وزارت خارجه در نظر بگیریم که بیک مأمورین خیلی عالی داشته باشیم .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

(بعضی میگفتند کافی نیست)

رئیس -- چون عده کافی نیست نمیشود رأی گرفت چند دقیقه تنفس داده میشود .

(دو این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و فاصله نیمساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس -- آقای مدرس

مدرس - عرض میشود در این چند سال که در مجلس بودیم آرزو داشتیم که بیک وقتی بیک بودجه بیاورند این جا بیک چیزی از بودجه ما قبلاً کم باشد امروز هم که آمده اند بیک چیزی را کم کرده اند بیک جوری کم کرده اند که معلوم نیست .

کارگذارها منحل است اما پواش چه جور میشود؟ ساکت است . چون این بودجه است و مناسب بودجه

این است که کم و زیاد پول و خرج را بنویسند. چیز دیگری که ربطی با این مسئله ندارد و مناسبش را نفهمیدم و بالاخره گمان من اینست که در این بودجه ها هر بودجه را که میخواهند بنویسند آن بودجه سال پیش میگذارند جلوی خودشان و هر چه در آن هست عیناً می نویسند. خاطر می آید (گویا در دوره چهارم بود) يك بودجه دیده که در تمام سال بخر نوشته بود و در تمام سال هم ذغال بخاری. این همین که دیده بود توی بودجه است این روزی يك تومان مالی سیصد و شصت تومان را نوشته بود. مثلاً ما در تمام این بودجه ها مخارج روشنائی داریم. بنده هر چه تحقیق میکنم که يك وزارتخانه شب مشغول کار باشد چیزی دست نیامده. یا اینکه شب چراغ داشته باشد. اما يك بودجه نیست که مخارج روشنائی درش نباشد! به منشی میگویند يك نسخه از بودجه سنة فلان بنویس. او هم بجز بطوریکه بجا به پدر هر سال مخارج روشنائی در بودجه بوده است در بودجه سال بعد مینویسند و دیگر ملتفت اینکے حالا وزارتخانهها شب نیستند که کار کنند نمیشوند. خیلی دوست داشتم يك کسی یا آقای مخبر یا شخص دیگری که اطلاع دارد معرفی کند در آن وزارتخانه که شب چراغ میسوزد کجاست؟ حالا برویم وارد اصل موضوع شویم زیرا در این جزئیات مقتضی نیست و الا کلمه بکلمه عرض میکردم. مسئله سروازارت خارجه است. حقیقة و فی نفس الامر مملکت مستقل بودنش به دو چیز است یکی وزارت خارجه و یکی هم اینکه مملکت همه جا در داشته باشد. بعقیده من مملکتی که در همه جا دارد و وزارت خارجه اش محکم است در دنیا استقلال دارد و این معنی استقلال است. حالا (در همه جا داشته باشد) معنی این را يك وقتی عنایت میگویم که باید ملتفت شد که هر کس بخواد از استقلال دولتی بکاهد از درهاش میکاهد. وزارت خارجه را باید باهت داد. باید سفارتخانهها و قنصل خانهارا در دنیا عظمت

داد و هر مأمور فوق العاده خوب و عالی داشت بد خرج فرستاد. مجلس شورای ملی باید قانون وزارت خارجه را مقدم بر تمام وزارتخانهها بنویسد. بنده چه رفته ام و چه شنیده ام يك مأمور وزارت خارجه را ندیدم وقتی که از این جا میخواهد برود از او بپرسند که آنجا میروی می خواهی چکار کنی؟ بنده پرسیدم و دیدم که يك مأمور وزارت خارجه نیست که از این دروازه که بیرون میرود چیزی دستش باشد که برود به آن چیز عمل کند. ولی هر مأموریکه از خارجه ها می آید توی این شهر من که بکنفر وکیل و آخوند و یا هیچکس مربوط نیستم مرا می شناسد! نارنجم را میداند! ساجل احوالم را میداند! خورا کم را حتی زمانی که کوهستان بوده ام و شلغم میخورده ام میداند! اما مأمور ما. من نرفته ام. اما دیده ام. آقای آقا سید یعقوب فرمودند هر کدامش را میدیدیم با آنها داخل مذاکره میشدیم که چه میکنید؟ می گفتند حفظ تبعه ایران. هر کجا هم میرفتیم می دیدیم تبعه ایران می آیند شکایت میکنند از دست مأمور ایران. راست است اگر چه خوب نبودم که مأمورین خارجه بد باشد اما مأمورین خارجه مان بد است ولی از باب اتفاق خوب شده است که مأمورین خارجه مان بد است و الا تمام اهل مملکت میرفتند بیرون. این راهم غفلت نکنید که مقتضای روز این بدی خوب شده. چرا؟ بجهت اینکه تحقیق کردیم قریب بیست هزار نفر از کردستان ایران در خارج بودند می گفتیم چرا آمدید می گفتند از دست ظلم. در ایران زن می گرفتیم بیست تومان از ما میگرفتند. پدرمان می مرد يك چیزی ازمان میخواستند. حالا وارد در آن مسئله نمیشویم چون یکی از آقایان (آقای تقی زاده) بودند فرمودند در بودجه جا دارد که خیلی مطالب مملکتی صحبت شود لذا بنده عرض میکنم چون این مسئله جانی دیگر نداشت از این جهت خواستم امروز عرض کنم. یکدفعه من آرزو داشتم که يك بودجه وزارت خارجه بیاید بگوید صد

هزار تومان بمن بدهید میخواهیم يك سفارتخانه در لندن درست کنیم. یا يك سفارتخانه در فلان جا بنا کنیم عظمت سفارتخانه ما به این نیست که صد دینار بحقوق منشی آن اضافه کنیم و مأمورین ما بروند در کاروانسرا و توی هتل منزل کنند و هر که وارد میشود عوض اینکه پذیرائی کنند يك نوعی از او بکنند. اینها را دیده ام. و عرض میکنم چرا ما باید وزیر مختار نداشته باشیم در تمام ممالک آسیائی؟! در ژاپن داشته باشیم. در چین داشته باشیم. اما بدبختانه ما هنوز حلاوت استقلال و حلاوت سطوت و سلطنت را نچشیده ایم همین را فهمیده ایم که صد دینار زیاد یا صد دینار کم کنیم بنده موافقم که وزارت خارجه را دید توسعه داد. اهمیت و عظمت داد. اما مأمور خارجه کدام امر از امور مملکتی ما در ممالک خارجه بین مأمور ما و دولت خارجه فیصل می باید!؟

بعضی از نمایندگان - هیچ

مدرس - کدام؟ پس وزیر مختار غلط است پس سفیر غلط است. اگر ما آن سفیری که از اینجا میفرستیم دستور این باشد که اگر آن دولت بخواد با ما صحبت کند یا نمایندگ ما داخل مذاکره بشود؟ بنده میگویم سالی صد هزار تومان هم خرج آن سفیر بکنیم ارزش دارد. اما یکی برود آنجا عید های مرسومه کلاه ایرانی بپوشد بگذارد آنجا بنشیند این چه فایده برای ما دارد! اما آنها راجع بيك مسئله دو غازی که میخواهند صحبت کنند اینجا باید مأمور آنها با وزارت خارجه و دولت ما داخل مذاکره بشود. پس همانطوریکه آقای شبروانی مخبر فرمودند باید وزارت خارجه را عظمت داد. و روح داد. شما عظمتش را در این میدانید که بودجه اش را زیاد کنید. اما بودجه بجهت اجرای کار است بجهت اجرای قانون است. چرا باید وزارت خارجه که حقیقة استقلال نامه دولت و ملت بسته بوزارت خارجه است يك قانون صحیح از مجلس گذشته نداشته باشد؟ پول

را باید خرج قانون کرد. آنوقت کی مضایقه دارد؟ آقا این پولی را که از مرده می گیرند برای مخارج مملکت است لکن اسم و رسم خالی فایده ندارد. بجز اسلامبول و بران و شاید يك جای دیگر سفارتخانه های ما عبارت ندارد.

بعضی از نمایندگان - اغلب دارد.

مدرس - دوسه جا بنده شنیده ام لکن جبهی دیگر شنیده ام بی وزارت خارجه باید عظمت داشته باشد. اما روح هم باید داشته باشد از این مسئله بگذریم. يك عبارتی اینجا در نوشته است: شش هزار تومان اضافه اعتبار برای تهیه دولت در جامعه ملل...

بعضی از نمایندگان - چهار هزار تومان.

مدرس - بی چهار هزار تومان. مضاف هست مضاف ایبه نیست.

شبروانی - سهمیه است.

مدرس - کتب ما تهیه در دو مضاف ایبه در و نیست البته بودجه جامعه ملل خیلی است. بن اضافه است که علاوه کرده اند...

وزیر مالیه - همین است.

مدرس - هیچ خرجی دیگر جز این چهار هزار تومان ندارد؟

وزیر مالیه - سهمیه است.

مدرس - سهمیه را من نمیگویم بودجه مأمور ما در جامعه ملل تمامش همین است؟

وزیر مالیه - خیر.

یکنفر از نمایندگان - بیست و چهار هزار تومان

مدرس - خوب ما حساب که کرده ایم با او از ما تش میشود سالی تقریباً بیست سی هزار تومان: اینهم یکی از مسائل مهم است حل اینهم بعقیده من مشکل است هر کس عقیده خودش را می گوید، در دوره چهارم بود ظاهراً بنده موافق نبودم اما ناخوش شده و این جا نبوده که مخالفت کنم و آقایان هم تصویب کردند. در هر صورت

ما در قبول عضویت پیشقدم شدیم و در درجه اول بودیم از خیلی از دول دیگر ما پیشتر اقدام کردیم جزای ما این شد که هنوز کرسی دائمی به ما نداده اند، بنده با این عضویت مخالفم، وقتی که دولت ایران پیشقدم شد و از خیلی دول دیگر که کرسی دائمی به آنها دادند اعتباراتش زودتر است در نجابت زیادتر است، در همه چیز زیادتر است ولی حالا بواسطه اینکه ما مردمان نجیب معقول ساکتی هستیم باید کرسی دائمی به ما ندهند؟! بخوانید کسانی را که کرسی دائمی داده اند بسنجید با ما که نداده اند...

غلامحسین میرزا مسعود - فایده اش چیست؟

مدرس - فایده اش چیست!!! پس اصلش فایده ندارد، وقتی فایده دارد که ما را آنطور که هستیم بشناسند، وقتی فایده دارد که ما در آنجا عضو دائمی باشیم. شما وقتی در یک مجلس در بالای مجلس راهتان ندهند چرا وارد می شوید؟ میگوئید من شاهزاده هستم باید بالای مجلس بنشینم ما در دنیا، مملکت ایران، ملت ایران، دولت ایران، بادنیا، با دول دنیا با ملل دنیا چه وقت نظر محاصمه داشته است؟ ما با تمام دول دوستی داشته و داریم آنوقت در عضویت مقدم هم شده ایم جزای ما این است که به دولی که خیلی از ما پست تر هستند کرسی دائمی بدهند و به ما ندهند...

شیروانی - به چین داده اند و به ما نداده اند.

مدرس - علیهذا بنده عرض میکنم جائی برو که قدر ترا بدانند. گر چه من يك حسن ظن خوبی نسبت به خودمان به جامعه ملل ندارم. لکن خودم تنها نمیتوانم استقامت کنم به اینکه حالا عضویت را بهم بزنیم اما میگویم که من میمیرم و شما میانید همینقدر میگویم حسن ظن خوبی به جامعه ملل برای خودمان ندارم اما چه وقت نتیجه برای ما به بخشد بعد معلوم خواهد شد. این حدس است حدس آخوندی است. يك مسئله آقای شیروانی فرمودند بنده عقیده ام این است

که جای صحبتش این جا نبود و آن موضوع بین النهرین است اجمالاً عرض میکنم اگر خیوه را ناصرالدین شاه به روسیه تمیذاد حالا مال ما بود، آده ضعیف ملکش را به کسی نمی بخشد صبر میکنند به بیند دنیا چه می کند.

وزیر مالیه - بنده نمنا میکنم که آقایان محترم تصدیق بفرمایند که ادعای آمدن پشت تریبون و جواب دادن به آقای مدرس يك کار بزرگی است و کار کوچکی نیست و بنده هم همچو ادعائی ندارم برای اینکه ایشان معمولی دارند با نهایت زبردستی و با آن مقام و نفوذی که شخصاً دارا هستند در قضائاتی که میخواهند مخالفت کنند همیشه يك کلیاتی را اتخاذ می کنند برای مذاکره که آن کلیات متفق علیه موافق و مخالف است. حالا از ذکر این کلیات برای مخالفت با آن موضوع چطور نتیجه میگیرند گاهی بنده حقیقه با نهایت درستی که به خدمت ایشان دارم نمیتوانم بفهمم...

مدرس - باین بودجه مخالفم.

وزیر مالیه - بنده آقای مدرس را مخالف باین بودجه استنباط نکردم. ایشان را اینطور استنباط کردم که دارای عقیده هستند که بنده هم دارای همان عقیده ام و این جا هم که آمده ام همان عقیده را میخواهم تأیید کنم. و آن این است که وزارت خارجه را باید روح داد. آیا تصور میفرمائید که بنده یا آقای کفیل وزارت امور خارجه که در اینجا شریف دارند یا هیچکدام از موافقین که میخواهند به این لایحه رأی بدهند ادعا کردیم و گفتیم وزارت خارجه ما آنطوری است که باید باشد؟ پس از اظهار این مطلب بنده نمیدانم که آیا نتیجه این میشود که يك چیز ناقصی هم اگر هست باید کشت و خفه کرد و از میان بر داشت؟ بنده اینرا راه رسیدن به مقصود نمیدانم و تطبیق این صغری و کبری را هم نفهمیدم. مثلاً راجع به مأمورین میفرمودند که من از مأمورینی که از این جا بیرون میروند پرسیده ام که کار شما چیست؟

میروید چه کنید؟ دستور شما چیست؟ اینرا باید تصدیق کنیم که مأمورین دولتی علی الخصوص مأمور دیپلماتی و وزارت خارجه وظیفه اش چیست؟ وظیفه اش معلوم است این است که به مر جائی که میروند منافع مملکت خودش را در آنجا از نقطه نظر اتباعی که آنجا هستند به از نقطه نظر سیاسی که در آنجا بین دولت خارجی و دولت خودش در جریان است آنرا حفظ کنند. حالا اگر آقای مدرس تلقی کردند که يك مأموری به واسطه تقصیر خودش با قصور وزیری که او را اعزام داشته دستور العمل به جزء به او نداده است که به آف نشان بدهد و آن دستور العمل را به آف ارائه نداده باید بگوئیم در خارج مأمور نداشته باشیم؟ خیر. باید بگوئیم مأمور داشته باشیم و وزارت خارجه به آنها به این ترتیب و رویه که آقای مدرس میفرمایند دستور العمل بدهد. بنده تصدیق دارم و قابل انکار نیست اما به بینیم که این مطلب دلیل بر این میشود که این بودجه اضافی وزارت خارجه را باید رد کرد؟

بکنفر از نمایندگان - بل.

وزیر مالیه - بنده که عظم قاصر است بلکه بنده بر عکس تصدیق میکنم که ایشان میفرمایند این بودجه کم است و باید زیاد کرد و میگویند يك میلیون دو میلیون بودجه میخواهیم برای اینکه تمام سفارتخانه های ما جهانی عالی داشته باشد، برای اینکه سفرای ما که میروند يك اشخاص عالیمقامی باشند و با آنها هم حقوق مکفی بدهیم که بتوانند مثل وزیر مختار های ممالک دیگر با اقبال مثل شاردن فرهای دول دیگر با نجهل زندگی کنند، با نجهل از مردم پذیرائی کنند، این خیلی خوب است بنده هم موافقم اما اجازه بفرمائید که عرض کنم این مستلزم يك دارائی و يك عایدات مملکتی است که آنرا ما متأسفانه هنوز نداریم، اینها يك چیزهایی است که باید بمورد درست بود. اشاره فرمودند به خانه، در موقع جنگ استفاده از ارزانی مارک کردند و يك خانه برای سفارت آلمان

خریدند ولی آیا تصور میفرمائید که اگر ما بخوایم امروز در وشننگتن برای سفارت ایران يك خانه مجلل خوبی تهیه کنیم چقدر باید پول بدهیم؟

مدرس - دویست هزار تومان.

وزیر مالیه - عذر می خواهم. خوبست مراجعه بفرمائید، تحقیق بفرمائید بنده نمی خواهم يك رفی را بدون تحقیق عرض کنم زیرا می خواهم با تحقیق عرض کرده باشم ولی همینقدر بطور قطع میتوانم عرض کنم که اینطور نیست، و دو برابر و سه برابر و چهار برابرش هم شاید کم باشد ولی باید به تمه این مقامات رسید اما باید برای اینها تهیه اساس و پایه کرد، چرا تنقید می شود؟ البته این بودجه وزارت خارجه است و همانطوریکه فرمودند وقتی که بودجه در مجلس شورای ملی در بحث مذاکره است تمه مسائل مملکتی را می شود بحث کرد چرا تنقید می شود از مأمورین خارجه و چرا گفته میشود که مأمورین خارجه کافی نیستند و خوب نیستند؟ باید در بعضی مواقع این مسئله وارد باشد و در بعضی مواقع وارد نباشد چون ما مأمورین خوب هم داریم و مأمورین لایق که وظیفه خودشان را نسبت به سیاست مملکت انجام بدهند داریم. اما درست فکر بفرمائید به بینید اگر مرکز شما و دولت بخواهد اشخاصی را که خودتان تشخیص میدهید که این اشخاص برای این مأموریت ها و انجام آن مقاصدی که شما دارید خوب هستند روانه کنند آیا ممکن است اینها را با این بودجه هایی که داریم روانه کنند؟ میگویند باید بودجه را زیاد کرد. بنده هم موافقم لکن شما به بینید از وزارت مالیه تحقیق کنید، (بنده این جا سمت وزیر مالیه دارم وزیر خارجه نیستم) ولی میدانم که وزیر خارجه هر چه سعی میکند که اضافه از آن اعتباری که ما برای ۳۰۶ توانسته ایم سهم او قرار دهیم دست هزار یا پانزده هزار تومانی که همه هم تصدیق میکنیم لازم است تا او بدهیم بواسطه نداشتن محل نمیتوانیم بدهیم. پس باید کار کرد و منبع عایدی درست کرد

درسید بان بودجه هائی که آقا میخواهند ولی فعلاً نابه آنجا رسمیم باید از همین قسمت هائی که هست استفاده کرد وسیعی کرد و يك اصلاحاتی در همین حدود کرد که باید بکنیم و نباید از آنها صرف نظر کرد مثلاً اشاره فرمودید باینکه هیچوقت امور در آنجا ها خاتمه نمی یابد و در اینجا خاتمه پیدا میکند : اولاً این يك رويه و قاعده کلی نیست . مخصوصاً این اواخر ملاحظه فرمائید نه تنها مامورین عادی ما این کار را نمیکنند بلکه در بعضی مواقع و در اغلب نقاط وقتی يك مسائل مهمه است مامورین فوق العاده به محل میفرستیم ولی این قاعده کلی نیست و اگر قاعده کلی بود دیگر ابدأ مستحسن نبود و باید روی این اصل برویم که در دو مرکز باید کار کرده در يك مرکز ... مدرس - آنها خبر ندارند .

وزیر مالیه - خبر دارند . بنده این مسئله را نمیتوانم تصدیق کنم ، ولی اینرا عرض می کنم که اگر این مطلب اینطور می بود مربوط میشد به همان صنف اشخاصیکه میفرستادند . چون هر کسی را نمیشود گفت بیاید این کار را بکنند . پس اینها باید برور درست شود ، بودجه درست بشود ، عواید زیاد شود ، مامورین مهم هم اعزام شود وسائل کامل هم برای آنها فراهم شود و کار از آنها بیشتر خواسته شود . بعلاوه آقا باید به خاطرنان باشد که این بودجه که درس مذاکره میشود مال ۱۳۰۵ است ، بودجه ۱۳۰۶ وزارت خارجه این جا میآید و در آن موقع بنده حاضرم و تقاضا میکنم که با حضور تمام هیئت دولت (اکثر آقا لازم بدانند و صلاح بدانند) همین عقیده را که راجع به جامعه ملل اظهار فرمودند مطرح فرمایند . مسئله جامعه ملل و ایران یکی از قضایای مهمی است که باید با شرکت همه و توافق نظر همه و با روشن بودن فکر مجلس و اکثریت مجلس که باید در کارها مؤثر باشد و حکومت داشته باشد مطرح شود . بنده معتقد نیستم که دولت عضویت جامعه

قلم اکثرش بلکه غیر از آن چند قلم تمامش مربوط به تکمیل نواقص نمایندگی های ما در خارجه است که همه آقایان هم تصدیق میکنند . پس بنا بر این بنده مخالفتی نمی بینیم .

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب پیشنهاد کرده اند که این لایحه از دستور خارج شود و لایحه راجع بچمن کال آباد مطرح شود . آقای آقا سید یعقوب .

آقا سید یعقوب - بنده آقایان را توجه میدهم به يك مسئله . در این لایحه يك مسئله است که همه فوق العاده علاقه مندیم و آن مسئله الغاء کاپیتولاسیون است . یعنی قدیمی که کیسیون بودجه برداشت و بحمدالله موافقت کرد بانوجهات عالیحضرت و فوق العاده هم علاقه مندیم . اینرا آقایان در این لایحه پیش آورده اند که در این بین دولت منزلت را ثابت کنند . بنده این را کاملاً موافقم لیکن آقای دکتر مصدق بعضی صحبت ها در خارج کردند بنده برای اینکه این لایحه برود بکیسیون و آقای دکتر مصدق و دیگران هم بیایند آنجا و صحبت کنیم ، برای حل این مسئله این پیشنهاد را کردم والا بنده هم مخالفتی ندارم کفنیم برود در کیسیون مذاکره بشود دومرتبه بیاید بمجلس برای خاطر این بود که این پیشنهاد را عرض کردم و این بود نظر من .

وزیر مالیه - بنده اگر اجازه فرمایند میخواهم از آقای آقا سید یعقوب و سایر آقایانیکه با نظر ایشان موافقت استدعا کنم که مخالفتی را که باین لایحه دولت دارند بطور مستقیم فرمایند . هیچ مانعی ندارد مخالفین مخالفت فرمایند و رد بکنند و آقایان موافقین هم موافقت فرمایند و از روی عقیده یا رضا رأی بدهند . ولی از راه غیر مستقیم از قبیل از دستر خارج شدن ! امروز بماند برای فردا ! اینها شایسته مقام مجلس و مقام نمایندگی نیست . و اینرا باید به آقایان عرض کنم اینکه آقای آقا سید یعقوب فرمودند که این جا مسئله کاپیتولاسیون

را متصل کرده اند . این موضوع هیچ ارتباط مستقیمی با بودجه اضافی وزارت خارجه ندارد . قضیه ایست در خارج حل شده ولی در این لایحه کیسیون بودجه خواسته است يك تأییدی بکند و از این نقطه نظر هم يك کار خیلی صحیحی و محکمی است اما برای این نیست که این لایحه را خواسته اند به زور این مطلب بگذارند این لایحه چه عیب دارد ؟ آنرا فرمائید ، چرا اینقدر در حاشیه صحبت میکنید ؟ در کلیات صحبت میکنید ؟ بنده تا بحال اینطور ندیده ام . غیر از مؤسسه جامعه ملل که آقا فرمودند و بنده جواب عرض کردم قلم به قلم لایحه را ملاحظه فرمائید چه عیبی دارد که به آن جهت ما بخواهیم از این راهها لایحه را معوق بگذاریم ؟

رئیس - رأی می گیریم به پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب آقایان موافقین قیام فرمایند (عده قلیلی برخاستند)

رئیس - تصویب نشد .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

آقا سید یعقوب - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم ختم جلسه را پیشنهاد میکنم یسائی - بنده مخالفم .

رئیس - با کفایت مذاکرات مخالفید ؟

یسائی - خیر با ختم جلسه مخالفم . با ماده واحده موافقم .

رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . پیشنهاد ختم جلسه شده است آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده استدعا میکنم از آقای یسائی که نزه تشریف آورده اند و ما که از اول وقت اینجا